

عقيدة اهل سنت و جماعت

به قلم شيخ علامه
محمد بن صالح العثيمين
غفر الله له ولوالديه وللمسلمين

شركاء التنفيذ:



المحتوى الإسلامي



رواد الترجمة



جمعية الربوة



دار الإسلام

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغيير في النص.



Telephone: +966114454900



ceo@rabwah.sa



P.O.BOX: 29465



RIYADH: 11557



www.islamhouse.com

به نام الله بخشایندهٔ مهربان

مقدمهٔ شیخ

عبدالغزیز بن عبدالله بن باز

ستایش تنها از آن الله است، و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست، و بر آل و اصحاب او باد، اما بعد:

اخیرا از رسالهٔ با ارزش مختصری در باب عقیده که برادرمان شیخ علامه محمد بن صالح العثیمین نوشته اند آگاه شدم، و همهٔ آن را شنیدم و آن را شامل بر بیان عقیدهٔ اهل سنت و جماعت در باب توحید الله و نامها و صفات او، و در باب ایمان به ملائکه و کتابها و پیامبران و آخرت و تقدیر - خیر و شر آن - یافتم.

ایشان در گردآوری این رساله بسیار نیکو و مفید عمل کرده اند، و هرآنچه طالب علم و هر مسلمانی در امر ایمان به الله و ملائکه و کتابها و پیامبران الهی و روز بازپسین و تقدیر خیر و شر به آن نیازمند هستند را در آن ذکر کرده اند، و نکاتی با ارزش را دربارهٔ عقیده به آن افزوده اند که ممکن است در بسیاری از کتب نوشته شده در باب عقیده موجود نباشد.

الله به ایشان جزای خیر دهد، و بر علم و هدایتشان بیفزاید، و با این کتاب و دیگر تالیفاتشان سود برساند، و ما و ایشان و دیگر برادرانمان را هدایت شده، و هدایتگر و دعوتگر به سوی الله قرار دهد؛ همانا او شنوا و نزدیک است.

فقیر به درگاه الله تعالی : عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، الله متعال او را
مورد عفو و بخشش قرار دهد ، و درود و سلام بر پیامبر ما محمد و بر آل
و اصحاب او باد.

ریاست کل

مدیریت پژوهش‌های علمی و فتوا و دعوت و ارشاد

به نام الله بخشاینده مهربان

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است و عاقبت از آن پرهیزگاران است.

و تجاوز روا نیست مگر بر ستمگران،

و گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی شریک است، آن فرمانروای برحق آشکار، و گواهی می دهم که پیامبرش خاتم پیامبران و امام متقیان است، درود الله بر او و بر یاران او، و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

اما بعد: الله تعالی پیامبرش محمد - **صلی الله علیه وسلم** - را با هدایت و دین حق به عنوان رحمتی برای جهانیان، و الگوی عالمیان، و حجتی بر همهٔ بندگانش فرستاد، که با او و با آنچه بر او نازل نمود، یعنی کتاب و حکمت، هر آنچه را که صلاح بندگان و سامان یابی اوضاع دینی و دنیوی آنان در آن است، از جمله عقاید صحیح، و اعمال درست، و اخلاق فاضل، و آداب والا را تبیین کرد.

و امتشان را بر راهی روشن رها کردند که شبش همانند روز آن است، و جز آنکه هلاک شده، کسی از این راه به بی راهه نمی رود.

امت ایشان که الله و پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - را لبیک گفتند، یعنی بهترین امت از صحابه و تابعین، و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کردند، بر همین مسیر رفتند و شریعت او را برپا نمودند، و به سنت او تمسک جستند، و با بن دندان آن را از منظر عقیده و عبادت و اخلاق و ادب، محکم گرفتند. در نتیجه آنان همان گروهی هستند که پیروزمندانه بر

حق ماندند، و ترک یاری دیگران یا مخالفت آنان زیانی به آنها نمی رساند، تا آنکه امر پروردگار فرا رسید در حالی که بر همین راه هستند.

و ما نیز می گوئیم که الحمدلله بر جای پای آنان قدم گذاشته ایم، و بر اساس سیرت آنان که از کتاب و سنت برآمده هدایت جسته ایم، و این را از روی بیان نعمتهای الهی می گوئیم، و بیان آنچه هر مؤمن باید بر آن باشد.

و از الله تعالی خواهانیم که ما و برادران مسلمان ما را با سخن استوار در دنیا و آخرت پایدار گرداند، و از سوی خود به ما رحمتی ارزانی دارد، که او بس بخشنده است.

به دلیل اهمیت این موضوع و متفاوت بودن احوال [تمایلات] و بدعتها، در این زمینه دوست داشتم که عقیده خودمان یعنی باور اهل سنت و جماعت را به شکل مختصر بیان دارم، یعنی: ایمان به الله، ایمان به ملائکه و کتابها و پیامبران و آخرت و قدر - خیر و شر آن، و از الله تعالی خواهانم که این تلاش را خالص برای خودش، و هماهنگ با خشنودی اش، و سودمند برای بندگان برگرداند.

مؤلف

عقیده ما

عقیده ما: ایمان به الله، و ملائکه او، و کتابهایش، و پیامبرانش، و روز آخرت، و به تقدیر، خیر آن و شر آن.

ما به ربوبیت) پروردگاری (الله تعالی ایمان داریم، یعنی به اینکه او پروردگار، آفریدگار، و فرمانروای تدبیرگر همه امور است.

و به او الوهیت او نیز باور داریم، یعنی اینکه او معبود به حق است، و هر آنچه جز او پرستش می شود باطل است.

و به نامها و صفات او باور داریم، یعنی آنکه او دارای نامهای نیک و صفات کامل والا است.

و ایمان داریم به اینکه او در همه اینها یگانه است، یعنی آنکه در ربوبیت، و در الوهیت، و در نامها و صفاتش هیچ شریک و همتایی ندارد، الله تعالی می فرماید

﴿رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ

لَهُ سَمِيًّا﴾ [مریم: 65]

{ پروردگار آسمان ها و زمین و آن چه میان آن هاست؛ پس تنها او را عبادت کن و بر عبادتش شکیبا [باش، آیا شبیه و همانند برای الله می شناسی؟] [مریم: ۶۵].

و ایمان داریم به اینکه:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: 255]

{ الله [معبود راستین است؛ [هیچ معبودی] به حق [جز او نیست؛ زنده پابنده] و پایدارساز خلاق [است؛ نه خوابی سبک او را فرا میگیرد و نه خوابی سنگین؛ آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست . کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟ گذشته و آینده آنان = بندگان [را می داند و] آنان [به چیزی از علم او احاطه] و آگاهی [نمی یابند، مگر آنچه خود بخواد . کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته است و نگه داشتن آنها بر او] سنگین و [دشوار نیست، و او بلندمرتبه] و [بزرگ است] [بقره: ۲۵۵].

و ایمان داریم به اینکه:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲۲﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾ [الحشر: 22-24]

{ او الله است که معبودی [راستین [جز او نیست؛ دانای غیب و آشکار است؛ او بخشندهٔ مهربان است. او الله است که معبودی [به حق [جز او نیست؛] اوست [فرمانروا، منزّه، بی عیب و نقص، تصدیق کننده] پیامبرانش،] مراقب] اعمال بندگانش،] قدرتمند شکست ناپذیر، شکوهمند و شکست دهندهٔ مطلق، والامقام و شایستهٔ عظمت. الله از چیزهایی که [برای او به عنوان [شریک می آورند، پاک و منزّه است. او الله است، خالق، نوآفرین، نقشبند] بی نظیر [برای او نام های نیک است، آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می گویند، و او پیروزمند حکیم است] [حشر: ۲۲-۲۴].

و ایمان داریم به اینکه فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست:

﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ
 لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ
 عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾﴾ [الشوری: 49-50]

{ او هر چه خواهد، می آفریند؛ به هر کس که خواهد، [فرزند [دختر می بخشد و به هر کس که خواهد،] فرزند [پسر یا پسر و دختر را - هر دو - با هم می دهد؛ و هر کس را که خواهد، نازا می گرداند که او دانای تواناست] [شوری: ۴۹-۵۰].

و ایمان داریم به اینکه :

﴿... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ ﴿١١﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ ﴿١٢﴾ [الشورى:
12-11]

{چیزی همانند او نیست و اوست آن شنوای بینا .کلید] گنجینه های [آسمان‌ها و زمین در اختیار اوست؛] نعمت و [روزی را بر هر کس که بخواهد، گسترده می‌دارد و یا تنگ می‌گیرد .به راستی که او بر هر چیزی داناست] {شوری : ۱۱-۱۲}.

و ایمان داریم به اینکه:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا
وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ ﴿٦﴾ [هود: 6]

{ و هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر] اینکه [روزی اش بر عهده
الله است، و] او [قرارگاه و محل مرگش را می‌داند .همه] اینها [در
کتابی روشن] ثبت [است] {هود : ۶}.

و باور داریم که:

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا
تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ
إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ ﴿٥٩﴾ [الأنعام: 59]

{ و کلیدهای] گنجینه های [نهان نزد اوست،] و [جز او] هیچ کس [آن را نمی داند، و] اوست که [آنچه را در خشکی و دریاست می داند و هیچ برگی] از درخت [نمی افتد مگر اینکه آن را می داند؛ و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن =] لوح محفوظ [قرار دارد] {انعام: ۵۹}.

و ایمان داریم که:

﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: 34]

{ بی تردید، آگاهی] از زمان وقوع [قیامت،] تنها [نزد الله است و] اوست که [باران نازل می کند و آنچه را که در رحم هاست می داند؛ و کسی نمی داند فردا چه به دست می آورد، و هیچ کس آگاه نیست که در کدام سرزمین می میرد. به راستی که الله دانای آگاه است] {لقمان: ۳۴}.

و ایمان داریم که الله هر چه بخواهد می گوید، و هرگاه و به هر شکل که بخواهد سخن می گوید.

﴿...اللَّهُ مُوسَى تَكَلَّمَ﴾ [النساء: 164]

{ و الله با موسی آشکارا] و بی واسطه [سخن گفت] {نساء: ۱۶۴}،

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ...﴾ [الأعراف: 143]

{ و هنگامی که موسی به وعده گاهِ ما آمد و پروردگارش [بی واسطه] با او سخن گفت } [...اعراف : ۱۴۳]

﴿وَنَدَيْنَهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ۝٥٢﴾ [مریم: 52]

{، [و] ما [او را از سمت راست] کوه [طور ندا دادیم، و او را مناجات کنان] به خویش [نزدیک ساختیم] {مریم : ۵۲.}

﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ۝١٠٩﴾ [الكهف: 109]

{ بگو : اگر دریا برای [نگارش] کلمات پروردگارم جوهر شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد، قطعاً دریا به پایان می رسد } [کهف : ۱۰۹،]

﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أُجْرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝٢٧﴾ [لقمان: 27]

{ اگر [همه] [درختان روی زمین قلم شود و دریا] مرکب گردد، و هفت دریای دیگر به یاری اش بیاید] تا دانش الهی را بنویسند]، سخنان الله پایان نمی یابد. بی تردید، الله شکست ناپذیر حکیم است] [لقمان : ۲۷]

و ایمان داریم که سخنان او کاملترین سخنان است که اخبارش راست، و احکامش عدل، و بیانش نیکو است، الله تعالی می فرماید:

﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَتِهِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

﴿۱۱۵﴾ [الأنعام: 115]

{ و سخن پروردگارت به راستی و عدل سرانجام گرفته است } {انعام: ۱۱۵}،

و می فرماید:

﴿.... وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾ ﴿۸۷﴾ [النساء: 87]

{ و کیست که از الله راستگوتر باشد } [نساء: ۸۷].

و ایمان داریم که قرآن کریم کلام الله تعالی است، که به راستی به آن سخن گفته، و به جبرئیل القا نموده، و جبرئیل آن را بر قلب پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - نازل کرده است.

﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ...﴾ [النحل: 102]

{ بگو روح القدس [= جبرئیل] آن را از جانب پروردگارت به حق نازل کرده است } [نحل: ۱۰۲]،

﴿وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۹۲﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۱۹۳﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ

مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۹۴﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿۱۹۵﴾﴾ [الشعراء: 192-195]

{ و به راستی } این [قرآن فرورستاده پروردگار جهانیان است، که روح الامین [= جبرئیل] آن را بر قلب تو نازل نمود، تا از هشدار دهندگان باشی به زبان عربی آشکار] {شعراء: ۱۹۲-۱۹۵}.

و ایمان داریم که الله عزوجل با ذات و صفاتش بالاتر و برتر از خلاق است؛ زیرا می فرماید:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: 255]
{ و اوست بلند مرتبه بزرگ } [بقره: ۲۵۵]

، و می فرماید:

﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ [الأنعام: 18]
{ و او بر بندگانش چیره و فوق] آنان [است؛ و او حکیم آگاه است]
[انعام: ۱۸].

{ و ایمان داریم به اینکه:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَدِيرُ الْأَمْرَ...﴾ [يونس: 3]

{ آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس } آن گونه که شایستهٔ جلال و مقام اوست، [بر عرش قرار گرفت . او کار] جهان [را تدبیر می‌کند] {یونس : ۳}

، و استوای الله بر عرش یعنی قرار گرفتن او بر عرش با ذات خود، برتری خاصی که لایق جلال و عظمت اوست، و کیفیتش را کسی جز او جل و علا نمی‌داند.

و ایمان داریم به این که او تعالی در حالی که بر عرش خود با بندگان خود همراه است، احوال آنان را می‌داند، و سخنانشان را می‌شنود، و کارهایشان را می‌بیند، و امورشان را تدبیر می‌کند؛ فقیر را روزی می‌دهد و دلشکسته را التیام می‌بخشد، فرمانروایی را به هر کس که بخواهد می‌دهد، هر که را بخواهد عزت می‌دهد و هر که را بخواهد خوار می‌سازد، خیر به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

کسی که امرش چنین است حقیقتاً همراه با خلق خود است، اگرچه در حقیقت بر عرش خود باشد،

﴿... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: 11]

{ چیزی همانند او نیست و اوست آن شنوای بینا } [شوری: 11]

و همانند سخن اهل حلول - از جهمی و دیگران - نمی‌گوییم که با بندگان در زمین است، و کسی را که چنین بگوید کافر و گمراه می‌بینیم؛ زیرا او الله را به نقصی که شایستهٔ او نیست، توصیف کرده است.

و به آنچه پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - ما را از آن باخبر ساخته ایمان داریم که الله هر شب در یک سوم پایانی آن به آسمان دنیا نازل می‌شود، و

می فرماید: «کیست که مرا بخواند تا او را استجابت کنم؟ کیست که از من بخواهد تا به او عطا کنم؟ کیست که از من آمرزش بخواهد تا او را بیمارزم؟». و ایمان داریم که الله سبحانه و تعالی در روز معاد برای داوری میان بندگان می آید؛ الله تعالی می فرماید:

﴿كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ وَجِئَاءَ يَوْمٍ يُؤَمِّدُ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿٢٣﴾﴾ [الفجر: 21-23]

{ هرگز چنین نیست] که شما گمان میکنید؛ هنگامی که زمین سخت در هم کوبیده شود] و هموار گردد]، و پروردگارت] برای دادرسی [بباید و] نیز [فرشتگان صف درصف] بایستند]، و در آن روز جهنم آورده شود، در آن روز است که انسان] کافر [پند می گیرد] و توبه می کند؛ و] اما [این پند گرفتن، چه سودی برایش دارد؟] [فجر: ۲۱-۲۳].

و ایمان داریم که الله

﴿فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾﴾ [البروج: 16]

{ آنچه را که اراده کند انجام می دهد] [بروج: 16].

و ایمان داریم که اراده او تعالی بر دو نوع است:

اراده گونی) متعلق به هستی: (که این اراده الله رخ می دهد اما الزاما مورد پسند او نیست، و این همان چیزی است که در معنای مشیت است، مانند این سخن حق تعالی:

﴿...وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَلَوْا وَلَكِنْ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ [البقرة: 253]

{ و اگر الله می خواست، [هرگز] با هم نمی جنگیدند؛ ولی الله آنچه را می خواهد، انجام می دهد [بقره 253]،

﴿...إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُعْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [هود: 34]

{ اگر الله بخواهد [که نابود] گمراهتان سازد . او پروردگار شماست [هود : ۳۴] .

و اراده شرعی : که الزاما به معنای وقوع آن نیست، اما الزاما مورد پسند اوست، مانند این سخن حق تعالی:

﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ...﴾ [النساء: 27]

{ و الله می خواهد توبه شما را بپذیرد [نساء : ۲۷] .

و ایمان داریم که اراده گونی و شرعی او تابع حکمت اوست، یعنی هر آنچه طبق اراده گونی اش قضا نموده یا بنابر اراده شرعی اش از بندگانش خواسته است، بر اساس حکمت است، چه به برخی از این حکمتها پی ببریم یا عقل ما از درک آن قاصر باشد،

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ﴾ [التين: 8]

{ آیا الله بهترین داوران نیست؟! } [تین : ۸]

﴿أَفْحَكَمَ الْجَاهِلِيَّةَ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾

﴿٥٠﴾ [المائدة: 50]

{ و برای اهل یقین، حکم] و داوری [چه کسی بهتر از الله است؟ }
[مائدة: ۵۰].

و ایمان داریم که الله متعال دوستان خود را دوست دارد و آنان نیز دوستش دارند

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...﴾ [آل عمران: 31]

{ بگو: اگر الله را دوست دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد} [آل عمران: ۳۱]،

﴿... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...﴾ [المائدة: 54]

{الله به زودی گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد و آنها [نیز] او تعالی را دوست دارند} [مائدة: ۵۴]،

﴿... وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ [آل عمران: 146]

{ و الله صابران را دوست دارد} [آل عمران: ۱۴۶]،

﴿... وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [الحجرات: 9]

{ و به عدالت رفتار کنید که الله عادلان را دوست دارد} [حجرات: ۹]،

﴿...وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البقرة: 195]

{و نیکی کنید که الله نیکوکاران را دوست میدارد} [بقره: ۱۹۵].
و ایمان داریم که الله تعالی که به کردارها گفتارهایی که تشریح نموده] و
به آن امر نموده [راضی است، و آنچه را از آن نهی نموده نمی پسندد

﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ
تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ...﴾ [الزمر: 7]

{ اگر ناسپاسی کنید، [الله از شما بی نیاز است و هرگز
ناسپاسی بندگان را نمی پسندد؛ و اگر شکر او را به جای آورید، این
کار را برایتان می پسندد] [زمر: ۷]،

﴿.....أَفْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ﴾ [التوبة: 46]

{ ولی الله رهسپاری آنان را نپسندید؛ پس آنان را منصرف نمود و [به
آنان [گفته شد: با خانه نشینان بمانید] [توبه: ۴۶].
و ایمان داریم که الله تعالی از کسانی که ایمان آورده اند و اعمال نیک
انجام داده اند راضی می شود

﴿... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾ [البينة: 8]

{ الله از آنها راضی است و آنان [نیز [از او راضیند؛ و این] مقام و
پاداش، [برای کسی است که از پروردگارش بترسد] [بینه: ۸].

و ایمان داریم که الله عزوجل بر هر که مستحق خشم او باشد - از جمله کافران و دیگران - خشم می گیرد

﴿وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَعَصِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...﴾ [الفتح: 6]

{ که به الله گمان بد میبرند، عذاب کند، حوادث ناگوار و بد بر آنان باد، و الله بر آنها خشم گرفته [فتح: 6].

﴿... وَلَكِنَّ مَن شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [النحل: 106]

{ مگر کسی که [به این کار]، وادار شده باشد] ولی [دلش به ایمان، آرام] و استوار [باشد؛ اما هر کس سینه اش را به کفر بگشاید، خشم الله بر آنان است و عذابی سهمگین] در پیش [دارند] [نحل: ۱۰۶].

و باور داریم که الله تعالی وجه) چهره - رویی (دارد که موصوف به جلال و اکرام است:

﴿وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ [الرحمن: 27]

{ و [تنها ذات جاوید و [روی پروردگار باشکوه و ارجمندت باقی خواهد ماند] {رحمان: ۲۷}.

و ایمان داریم که الله تعالی دو دست گرامی عظیم دارند

﴿...بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ...﴾ [المائدة: 64]

{بلکه هر دو دست او گشاده است} و [هر گونه که خواهد، می بخشد] {مائدة: ۶۴}،

{ و آنان الله را چنان که سزاوار اوست، ارج ننهاند، حال آن که در روز قیامت، زمین یک سره در قبضه اوست، و آسمان ها در دست راست وی درهم پیچیده خواهند شد، الله منزه و برتر است از آنچه که شریک او می پندارند} [زمر: ۶۷]

و ایمان داری که الله تعالی دو چشم حقیقی دارد؛ زیرا می فرماید:

﴿وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا...﴾ [هود: 37]

{ و [اکنون] به دیدگان ما و به وحی ما، کشتی را بساز} [هود: ۳۷]،

و پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - می فرماید: «حجابش نور است که اگر آن را بردارد جلال چهره اش همه آفریدگانی که نگاهش به آنان می رسد را می سوزاند.» و اهل سنت بر این اجماع دارند که دیدگان او دو تاست، و این سخن پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - درباره دجال، این را تایید می کند که می فرماید: «او یک چشم است، حال آنکه پروردگار شما یک چشم نیست.» و ایمان داریم به اینکه الله تعالی:

﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [الأنعام:

[103]

{ چشم ها او را در نمی یابند] ولی [او چشم ها را در می یابد، و اوست که باریک بین و آگاه است] {انعام: ۱۰۳}.

و ایمان داریم که مؤمنان در روز قیامت پروردگارشان را خواهند دید

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾﴾ [القيامة: 22-23]

{ آن روز،] اهل ایمان دارای [چهره هایی تازه] و شاداب [هستند، به سوی پروردگارشان نظاره گرند] {قیامت: ۲۲-۲۳}.

و ایمان داریم که الله تعالی به دلیل کمال صفاتش، مانند ندارد

﴿... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١١﴾﴾ [الشورى: 11]

{ چیزی همانند او نیست و اوست آن شنوای بینا] {شوری: ۱۱}.

و ایمان داریم به اینکه به سبب کمال حیات و قیومیتش،

﴿... لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ...﴾ [البقرة: 255]

{ نه خواب سبک او را فرا می گیرد و نه خوابی سنگین] {بقره: ۲۵۵}

و ایمان داریم که او از روی کمال عدالتش، به هیچکس ستم روا نمی دارد؛ و همچنین از این رو که به سبب کمال نظارت و احاطه اش از اعمال بندگانش غافل نیست.

و ایمان داریم که به دلیل کمال علم و قدرتش هیچ چیز در آسمان ها و در زمین او را ناتوان نمی سازد

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [س: 82]

{ فرمان او چون چیزی را اراده کند تنها این است که به آن می گوید: «شو»؛ پس [بی درنگ [می شود] پس: ۸۲.]

و اینکه به سبب کمال قدرتش دچار خستگی نمی شود

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ

لُغُوبٍ﴾ [ق: 38]

{ ما آسمان ها و زمین و آن چه را که میان آن هاست، در شش روز آفریدیم و [هرگز [رنج و خستگی به ما نرسید] [ق: ۳۸]

یعنی: از خستگی و رنج.

و ایمان داریم که هر نام و صفتی که الله برای خود ثابت نموده یا پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - برای او اثبات نموده برایش ثابت است، اما از دو محذور بزرگ تبری می جویم: تمثیل و تکلیف.

تمثیل: یعنی آنکه با دل یا زبانش بگوید که صفات الله تعالی مانند صفات آفریدگان است.

تکلیف: یعنی آنکه با دل یا زبانش بگوید که کیفیت صفات الله چنین و چنان است.

و به نفی هر آنچه الله از خودش نفی نموده، یا پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - آن را از الله نفی نموده، باور داریم و اینکه این نفی دربر دارنده

اثبات کمالی است ضد آن، و از آنچه الله و پیامبرش درباره اش چیزی نگفته اند سکوت می کنیم.

و باور داریم که این روش فرض است و راهی جز آن نیست؛ زیرا هر آنچه الله درباره صفات خود اثبات یا نفی نموده، این خبری است از سوی الله درباره خودش، و او سبحانه و تعالی به خود آگاهتر است، و او راست گفتار است، و علم بندگان به او احاطه ندارد.

اما آنچه پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - درباره او اثبات یا نفی نموده نیز خبری است، که او [توسط وحی] دریافت کرده، و او آگاهترین مردم نسبت به پروردگار، و خیرخواهترین آنان در حق خلق، و راستگوترین و فصیح ترین آنان است.

بنابراین سخن الله تعالی و پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - کمال علم و راستی و بیان را در خود دارد، پس عذری برای رد آن یا تردید در پذیرش آن وجود ندارد.

فصل

همه آنچه درباره صفات الله تعالی به تفصیل یا اجمال، یا نفی و یا اثبات ذکر کردیم؛ بر اساس کتاب الله و سنت پیامبرمان بوده است، و بر اساس آنچه سلف امت و امامان هدایت بوده و کسانی که پس از آنان آمده اند.

ما باور داریم که در این امر باید نصوص کتاب و سنت بر اساس ظاهر آن حمل شود، و بر اساس حقیقت آن چنانکه شایسته الله عزوجل است.

و از روش اهل تحریف برائت می جوئیم؛ آنها که [الفاظ وحی] را بر خلاف مراد الله و پیامبرش چرخانده اند.

و از روش اهل تعطیل، که الفاظ را از مدلول و معنایی که الله و پیامبرش اراده کرده اند، تهی کرده اند.

و از روش اهل غلو در این امر، که این صفات را حمل بر تمثیل و همانند سازی کرده اند، یا متکلفانه برای معنای آن کیفیت قائل شده اند.

و به یقین می دانیم که هر آنچه در کتاب الله یا سنت پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - آمده همان حق است و برخی از آیات در تناقض با برخی دیگر نیست؛ زیرا الله تعالی می فرماید:

﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا

كثِيرًا﴾ [النساء: 82]

{ آیا در قرآن نمی اندیشند که اگر از سوی [کسی] غیر از الله بود، قطعاً اختلاف [و تناقض] [بسیاری در آن می یافتند] [نساء: ۸۲]

همچنین تناقض در اخبار، مستلزم این است که برخی از این آیات برخی دیگر را تکذیب کنند، و این درباره خبری که از سوی پروردگار تعالی یا پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - آمده، محال است.

و کسی که مدعی شود در کتاب الله یا در سنت پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - یا بین این دو تناقض است چنین ادعایی از روی سوء نیت، و انحراف درونی اوست، و باید از این گمراهی خود بازگردد و توبه کند.

و کسی که دچار چنین توهمی می شود و گمان می کند در کتاب الله یا در سنت پیامبرش - **صلی الله علیه وسلم** - یا بین کتاب و سنت تناقضی وجود دارد، این یا به سبب کمبود علم اوست یا به سبب قصور در فهم، یا کوتاهی

در تدبر و دقت] در آیات و احادیث. [چنین کسی باید در پی علم باشد و در تدبر و اندیشه وحی تلاش کند، تا حق برایش آشکار گردد، و اگر برایش آشکار نشده باشد، آن را به کسی که عالم است بسپرد، و دست از توهم تناقض بردارد، و چنان بگوید که راسخان در علم می گویند:

﴿...ءَامَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا...﴾ [آل عمران: 7]

{ ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست } [آل عمران: ۷]،

و باید بداند که در قرآن و سنت و بین آنها تناقض و اختلافی نیست.

فصل

و به ملائکه الله متعال ایمان داریم و به اینکه آنان:

﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ [الأنبياء: 27]

{ بندگان گرامی هستند] که [در سخن بر او پیشی نمیگیرند، و به فرمان او کار میکنند] [انبياء: ۲۶-۲۷].

الله آنان را از نور آفریده و آنان نیز به عبادت او مشغولند و به طاعت او گردن نهاده اند

﴿وَلَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَن عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ

وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ﴾ [الأنبياء: 19-20]

{از پرستش وی تکبر نمی ورزند و درمانده نمی شوند * شبانه روز
بی آنکه سستی ورزند تسبیح او گویند} [انبیاء: ۱۹-۲۰].

الله آنان را از دیدگان ما پنهان نموده، پس آنان را نمی بینیم، اما شاید آنان
را برای برخی از بندگانش آشکار سازد،

زیرا پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - جبرئیل را به همان شکل واقعی اش
دید، که ششصد بال دارد و افق را کرانه تا کرانه در بر گرفته بود، و
جبرئیل در برابر مریم به شکل یک انسان کامل در آمد، و با او سخن گفت
و او با وی سخن گفته، و در حالی که در شکل یک مرد ناشناس بود که
اثری از سفر بر او نبود، به نزد پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - آمد در
حالی که صحابه نزد ایشان بودند، پس دستانش را بر رانهایش گذاشت و با
پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - سخن گفت و ایشان با او سخن گفتند، و
پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - صحابه را آگاه ساختند که ایشان جبرئیل
است.

و ایمان داریم که ملائکه وظایفی دارند که به آن مامور شده اند.

از جمله جبرئیل که مامور وحی است، و آن را از نزد الله بر هر یک از
پیامبران و رسولانش که بخواهد می رساند.

و از جمله آنان میکائیل است که مامور باران و رویندگی هاست.

و از آنان اسرافیل است که مامور دمیدن در صور به هنگام از هوش
رفتن مردمان و سپس رستاخیز آنان است.

و همچنین ملک الموت، که موکل به قبض ارواح بندگان به هنگام مرگ
است.

و از جمله آنان ملک کوه ها که مامور کوه هاست.

و از جمله آنان، مالک است و که خازن دوزخ است.

و از جمله آنان ملائکه موکل به جنینها در رحم هستند، و دیگرانی که موکل به محافظت از انسانها هستند، و دیگرانی که موکل به نوشتن اعمال بندگان هستند، و برای نوشتن اعمال هر بنده دو ملائکه هست.

﴿إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾﴾ [ق: 17-18]

{ دو فرشته دریافت کننده که یکی در سمت راست، و دیگری در سمت چپ نشسته است، هر سخنی که بر زبان می آورد، [فرشته] مراقبی در کنار او آماده [نوشتن] است [ق: ۱۷-۱۸].

و دیگرانی که موکل هستند پس از دفن میت از او بپرسند. در این هنگام دو ملائکه به نزد او می آیند که از او درباره پروردگارش و دینش و پیامبرش می پرسند، در این هنگام:

﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾﴾ [ابراهیم: 27]

{ الله کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در آخرت، با سخن استوار [توحید] ثابت می گرداند و ستمگران [مشرك] را گمراه می کند؛ و الله هر کاری بخواهد انجام می دهد [ابراهیم: ۲۷].

و از جمله آنان، ملائکه ای هستند که برای اهل بهشت موکل شده اند

﴿جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ
وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ
عُقَبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾﴾ [الرعد: 23-24]

{ و ملائکه از هر دری بر آنان وارد می شوند} و می گویند [سلام بر شما برای آنچه شکیبایی ورزیدید، راستی چه نیکوست فرجام آن سرا { [رعد: ۲۳-۲۴].

و پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - بیان کرده اند که هر روز هفتاد هزار ملائکه به بیت المعمور در آسمان وارد می شود - و در روایتی در آن نماز می گزارند - سپس دوباره به آن باز نمی گردند.

فصل

و ایمان داریم که الله تعالی کتابهایی را بر پیامبرانش نازل نموده، که حجتی است برای جهانیان، و دستور العملی است برای عاملان که پیامبران با این کتابها به آنان حکمت می آموزند و تزکیه شان می کنند.

و ایمان داریم که الله تعالی همراه با هر رسولی کتابی فرستاده؛ زیرا می فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ
بِالْقِسْطِ...﴾ [الحديد: 25]

{ به تحقیق که رسولانمان را با حجت‌های آشکار و براهین روشن فرستادیم، و همراه آنها کتابها نازل کردیم} [حديد: ۲۵]،

از جمله این کتابها که می دانیم: الف-تورات: که الله تعالی آن را بر موسی - **صلی الله علیه وسلم** - نازل کرد، و این بزرگترین کتاب بنی اسرائیل است،

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَجْكُم بِهَا التَّيِّبُونَ الَّذِينَ اسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ...﴾ [المائدة: 44]

{که در آن هدایت و نور است. پیامبرانی که} در برابر فرمان الله [تسلیم بودند، بر اساس] آموزه های [آن برای یهود داوری میکردند و [نیز [دانشمندان و فقیهان] یهودی [که پاسداری از کتاب الله] و جلوگیری از تحریف تورات [به آنان سپرده شده بود، و بر] حقایق آن گواه بودند] {مائدة: ۴۴}.

ب-انجیل: که الله تعالی آن را بر عیسی - **صلی الله علیه وسلم** - نازل کرد، و تاییدکننده تورات و کامل کننده آن است

﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [المائدة: 46]

{ و انجیل را که در آن هدایت و نور بود به او دادیم که تصدیق کننده تورات پیش از وی بود و هدایت و اندرزی برای پرهیزگاران بود } [مائدة: ۴۶]

﴿... وَلَا جُلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ...﴾ [آل عمران: 50]

{و} فرستاده شده ام [تا برخی از چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، حلال کنم] {آل عمران: ۵۰}.

ج - زبور: که الله تعالی به داوود - **صلی الله علیه وسلم** - عطا کرد.

د - صحف ابراهیم و موسی - علیهما الصلاة والسلام -.

ه - قرآن عظیم: که الله بر پیامبرش محمد، خاتم پیامبران نازل کرد

﴿... الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ

وَالْفُرْقَانِ...﴾ [البقرة: 185]

{[کتابی] که راهنمای مردم است و دلایل آشکاری از هدایت] با خود دارد [و جداکننده] حق از باطل [است] [بقره: ۱۸۵].

کتابی که

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا

عَلَيْهِ...﴾ [المائدة: 48]

{ تصدیق کننده کتاب های پیشین و حافظ و گواه بر آنهاست] {مائدة: ۴۸}.

و الله با آن همه کتابهای پیشین را نسخ نمود، و خود حفظ آن را از دستبرد بیهوده کاران و انحراف اهل تحریف بر عهده گرفت.

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُو لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾﴾ [الحجر: 9]

{ همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم } [حجر : ۹؛

زیرا این قرآن تا روز قیامت حتی بر همهٔ جهانیان خواهد بود.

اما کتب پیشین مدت دار بودند و با نزول آنچه آن را نسخ می نمود و تحریف و تغییری که در آن رخ داده را بیان می کرد مدت آن به پایان می رسید؛ برای همین از دستبرد و تحریف معصوم نبودند، و دچار تحریف و کم و زیاد شدند.

﴿مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ...﴾ [النساء: 46]

{برخی از یهود، کلمات [الله] را از جای خود تحریف می کنند } [نساء: ۴۶].

﴿... يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ رُؤْيَا بِهِ ءِ ثُمَّ قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا

كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾﴾ [البقرة: 79]

{پس وای بر کسانی که با دست خود می نویسند، سپس می گویند : این از جانب الله است، تا آن را به بهای اندک بفروشند !پس وای بر آنها از آنچه دست‌هایشان نوشته است و وای بر آنان از آنچه] از این راه [به دست می آورند] [!بقره : ۷۹].

﴿... قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ ۖ
تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا...﴾ [الأنعام: 91]

{بگو: آن کتابی را که موسی آورد چه کسی نازل کرده است؟} همان کتابی که [برای مردم روشنایی و رهنمودی بود] و شما یهودیان [آن را به صورت] پراکنده بر [طومارها درمی آورید] و هر چه را که می خواهید [از آن آشکار می سازید و بسیاری را پنهان می کنید] {انعام: ۹۱}.

﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤْنَ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۷۸﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ [آل عمران: 78-79]

{و گروهی از آنان [= یهود] هستند که زبان خود را به [هنگام تلاوت] کتاب [تورات] چنان می گردانند که گمان کنید [آنچه می خوانند واقعاً [از] مطالب آن] کتاب است، در حالی که از آن کتاب نیست؛ و [باز به دروغ] می گویند: [آن] جملات [از جانب الله است؛ در صورتی که از جانب الله نیست و بر الله دروغ میبندند، در حالی که خود] نیز حقیقت را [میدانند. برای هیچ بشری سزاوار نیست که الله به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد، سپس او به مردم بگوید: به جای الله، بندگان من باشید] {آل عمران: ۷۸-۷۹}.

﴿يَأْهَلْ أَلْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ
 مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ
 ﴿١٥﴾ [المائدة: 15]

{ای اهل کتاب، همانا پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از
 [مطالب و آموزه های [کتاب] آسمانی خود [را که پنهان می کردید،
 برایتان به روشنی بیان کند] مائده: ۱۵}

تا آنجا که می فرماید:

﴿... إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ...﴾ [المائدة: 17]

{ کسانی که گفتند: الله همان مسیح پسر مریم است، یقیناً کافر شدند }
 [مائده: ۱۵-۱۷].

فصل

و ایمان داریم که الله تعالی رسولانی را به سوی مردم فرستاده است

﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ
 وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [النساء: 165]

{پیامبران بشارت دهنده و هشدار دهنده تا برای مردم پس از
 [فرستادن [پیامبران در مقابل الله] بهانه و [حجتی نباشد و الله توانا و
 حکیم است] نساء: ۱۶۵}.

و ایمان داریم که نخستین آنها نوح، و آخرینشان محمد است، درود و سلام الله بر همه آنان باد

﴿ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ... ﴾ [النساء:]

[163]

{ ما به سوی تو وحی کردیم همانطور که به نوح و پیامبران پس از او وحی نمودیم [نساء: ۱۶۳]

﴿ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ

النَّبِيِّينَ... ﴾ [الأحزاب: 40]

{ محمد پدر هیچ یک از مردان شما نبوده است، بلکه فرستاده الله به سوی مردم، و خاتم پیامبران است [احزاب: ۴۰].

و اینکه بهترین آنها محمد، سپس ابراهیم، سپس موسی، سپس نوح و عیسی بن مریم هستند، یعنی همان کسانی که در این آیه به شکل خاص ذکر شده اند:

﴿ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ

وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴾ [الأحزاب: 7]

{ و ای پیامبر، یاد کن آن [هنگامی که از پیامبران پیمان] عبادت الله به یگانگی و نبوت [گرفتیم] و به ویژه [از تو و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی - پسر مریم؛ و از همه آنان پیمان محکمی] درباره تبلیغ دین [گرفتیم] [احزاب: ۷].

و باور داریم که شریعت محمد - **صلی الله علیه وسلم** - حاوی همه فضایل شریعت این پیامبران صاحب فضل است؛ زیرا پروردگار متعال می فرماید:

﴿ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ﴾
... [الشوری: 13]

{ از دین همان را برای شما مقرر کرد که به نوح امر کرده بود؛ و نیز آنچه به تو وحی کردیم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی امر کردیم؛ اینکه: دین را برپا نگاه دارید و در مورد آن فرقه فرقه نشوید }
[شوری: ۱۳].

و ایمان داریم که همه پیامبران مخلوق هستند و هیچ از یک ویژگی های پروردگاری را ندارند. الله تعالی درباره نوح که نخستین آنان است می فرماید:

﴿ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ ﴾
... [هود: 31]

{ و به شما نمی گویم که گنجینه های الله نزد من است و غیب] نیز]
نمی دانم و نمی گویم که من ملائکه ام [{هود: ۳۱}،

و الله تعالی محمد - **صلی الله علیه وسلم** - را که آخرین آنان است امر کرده که بگوید:

﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ
إِنِّي مَلَكَ...﴾ [الأنعام: 50]

{ من نمی گویم خزاین الله نزد من است و غیب نمی دانم، و به شما
نمی گویم من ملائکه هستم } [انعام: ۵۰].
و اینکه بگوید:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ...﴾ [الأعراف: 188]

{ من برای خودم صاحب سود و زیانی نیستم مگر آنچه الله بخواهد }
[اعراف: ۱۸۸]
و اینکه بگوید:

﴿قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾ [الجن: 21-22]
وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا﴾ [الجن: 21-22]

{ بیگمان، من نه می توانم زیانی به شما برسانم و نه خیر و سودی،
بگو]: اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم [هیچ کس مرا در
برابر او حمایت نمی کند و پناهگاهی جز او نمی یابم] {جن: ۲۱-۲۲}.
و ایمان داریم که آنها بنده ای از بندگان الله هستند که آنان را با پیامبری
گرامی داشته است، و در والاترین جایگاه ها و در سیاق ستایش از آنان
تحت عنوان «بنده» نام برده است؛ از این رو درباره اولین آنها نوح می
فرماید:

﴿ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا﴾ [الإسراء: 3]

{فرزندانِ کسانی که آنان را با نوح] در کشتی [سوار کردیم، به راستی او =] نوح [بنده ای شکرگزار بود] {اسراء: ۳،

و الله تعالى درباره آخرین آنها محمد - **صلى الله عليه وسلم** - می فرماید :

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾
[الفرقان: 1]

{پر برکت و بزرگوار است کسیکه فرقان =) قرآن (را بر بنده اش نازل کرد؛ تا بیم دهنده جهانیان باشد] {فرقان: ۱}.

و درباره دیگر پیامبر فرمود :

﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ﴾ [ص: 45]

{و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده ور بودند به یاد آور] {ص: ۴۵}

﴿...وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ [ص: 17]

{ و از بنده ما - داود توانمند - یاد کن] که [بی تردید، بسیار توبه کار بود] {ص: ۱۷}

﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ ﴿٣٠﴾ [ص: 30]

{ و سلیمان را به داود عطا کردیم؛ نیکو بنده ای بود] و [بی تردید، بسیار توبه کار بود] {ص: ۳۰}،

و درباره عیسی بن مریم می فرماید:

﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ ﴿٥٩﴾ [الزخرف:

59]

{ او نیست مگر بنده ای که بر او منت نهادیم و او را سرمشق] و نشانه ای [برای بنی اسرائیل گردانیدیم] {زخرف: 59} :

و ایمان داریم که الله تعالی همه رسالتها را با رسالت محمد - **صلی الله علیه وسلم** - به پایان رسانده و او را به سوی همه مردم فرستاده است؛ زیرا می فرماید:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ آلَمِّي الَّذِي
يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ ﴿١٥٨﴾ [الأعراف: 158]

{ بگو: ای مردم! من فرستاده الله به سوی همه شما هستم، آن پروردگاری که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست، معبود [راستینی] جز او نیست، زنده می کند، و می میراند، پس به الله و فرستاده اش [پیامبر] «أمی» «درس ناخوانده (که به الله و کلماتش

ایمان دارد، ایمان بیاورید، و از او پیروی کنید؛ باشد که هدایت شوید }
[اعراف: ۱۵۸].

و ایمان داریم که شریعت او - **صلی الله علیه وسلم** - همان دین اسلام است که الله برای بندگانش پسندیده، و از هیچ کسی جز آن را نمی پذیرد؛ زیرا می فرماید:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...﴾ [آل عمران: 19]

{ همانا دین [پذیرفته شده] نزد الله، اسلام است } [آل عمران: ۱۹]
و می فرماید:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾ [المائدة: 3]

{ امروز دینتان را برایتان کامل ساختم و نعمتم را بر شما به کمال رساندم و برای شما اسلام را [به عنوان دین] پسندیدم } [مائدة: ۳].
و به دلیل این سخن او تعالی:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: 85].

{ و هرکس دینی غیر از اسلام بجوید؛ الله هرگز از او نمی پذیرد، و او در آخرت از زیانکاران است } [آل عمران: ۸۵].

و باور داریم که هر کس امروز بگوید دینی دیگر جز اسلام نزد الله پذیرفته می شود، مانند دین یهودیت یا نصرانیت، چنین کسی کافر است، سپس اگر در اصل مسلمان باشد از او توبه خواسته می شود، و اگر توبه کرد] رها می شود [وگرنه به عنوان مرتد کشته می شود؛ زیرا قرآن را تکذیب کرده است. و باور داریم که هر کس انکار کند که رسالت محمد - **صلی الله علیه وسلم** - برای همه مردم است، به همه پیامبران کافر شده است، حتی به همان پیامبری که ادعا می کند به او ایمان دارد و از او پیروی می کند، زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الشعراء: 105]

{ قوم نوح، پیامبران را دروغگو انگاشتند [شعراء: ۱۰۵].

و آنان را تکذیب کننده همه رسولان دانسته با وجود آنکه پیش از نوح پیامبری نیامده است، و به دلیل این سخن الله متعال که:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ [النساء: 150-151].

{ کسانی که به الله و پیامبرانش کفر می ورزند و می خواهند میان الله و پیامبرانش جدایی اندازند و می گویند: ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می کنیم، و می خواهند در این] میان، بین کفر و

ایمان برای خود [راهی برگزینند، آنان به راستی کافرند و ما برای کافران عذابی خفت بار مهیا کرده ایم] {نساء: ۱۵۰-۱۵۱}.

و ایمان داریم که پس از محمد فرستاده الله - **صلی الله علیه وسلم** - پیامبری نخواهد آمد، و کسی که بعد از او ادعای پیامبری کند یا ادعای کسی که مدعی پیامبری شده را بپذیرد کافر است؛ زیرا قرآن و سنت و اجماع مسلمانان را منکر شده است.

و ایمان داریم که پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - پس از خود خلفای راشدی داشته که در علم و دعوت و ولایت ایشان را جانشینی کردند، و اینکه بهترین آنان و به حق ترین آنان در امر خلافت ابوبکر صدیق، سپس عمر بن الخطاب، سپس عثمان بن عفان، سپس علی بن ابی طالب است. الله از همه آنان راضی باد.

قدر و منزلت آنان در خلافت چنان بود که از نظر شرع دارای فضیلت بودند، و شایسته نبود که الله - که حکمتش رساست - کسی را در بهترین قرن‌ها بر آن نسل ولایت دهد، مگر آنکه بهترینشان و شایسته ترینشان به خلافت باشد.

و ایمان داریم که مفضول آنان] که از نظر فضیلت کلی پایین تر از قبل خود است [ممکن است در یک ویژگی بهتر از کسی باشد که] به طور کلی [از او برتر است، اما به سبب این ویژگی مستحق فضیلت مطلق بر او نمی شود، زیرا موجبات فضل و برتری بسیار و متنوع است.

و ایمان داریم به اینکه این امت بهترین امتهای و گرامی ترین آنان نزد الله عزوجل هستند؛ زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ [آل عمران: 110].

{ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید: به کار نیک فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید و به الله ایمان دارید} [آل عمران: ۱۱۰].

و ایمان داریم که بهترین این امت صحابه، سپس تابعین، سپس تابعان آنهایند و اینکه همواره گروهی از این امت بر حق محکم و آشکار باقی می مانند، و ترک یاری یا مخالفت دیگران زیانی به آنان نمی رساند تا آنکه امر الله عزوجل فرا رسد.

و معتقدیم که فتنه هایی که میان صحابه رخ داد از روی تاویلی رخ داده که بر اساس اجتهاد بوده است، پس آن دسته که اجتهادشان درست بوده دو اجر دارند و آنکه در اجتهادش به خطا رفته یک اجر دارد و خطایش مورد عفو است.

و بر اساس باور ما باید از بد گفتن از آنان دست کشید، و نباید از آنان نام برد مگر بنابر ستایش نیکی که شایسته آن است، و باید که دلهای خود را از کینه و نفرت هر یک از آنان خالی نگه داریم؛ زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿... لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتَلَ أَوْلِيكَ أَعْظَمُ
دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتَلُوا كُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى...﴾ [الحديد:

[10

{ کسانی از شما که قبل از فتح] مکه [انفاق کردند و جنگیدند] با کسانی که پس از فتح انفاق کردند و جنگیدند [یکسان نیستند. آنها مقام [و منزلت] شان و الاثر است از کسانی که بعد از فتح انفاق کردند و جنگیدند، و الله به هر یک وعده نیک [= بهشت] داده است] {حدید: ۱۰}.

و خطاب به ما می فرماید :

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: 10]

{و] نیز [کسانی که پس از آنها [= پس از مهاجران و انصار] آمده اند، می گویند: پروردگارا، ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند کینه ای قرار مده. پروردگارا، بی گمان، تو دلسوز مهربانی } [حشر: ۱۰].

فصل

و ایمان داریم که روز بازپسین یعنی روز قیامت،] آخرین روز است و [و] روزی پس از آن نیست، آنگاه که الله مردم را برمی خیزاند تا برای همیشه زنده بمانند، یا در سرزمین خوشی ابدی و یا در سرزمین عذاب دردناک.

ما به رستخیز یعنی زنده ساختن مردگان توسط الله متعال باور داریم، آنگاه که اسرافیل برای دومین بار در صور می دمَد:

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ

ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾ [الزمر: 68]

{ و در صور دمیده می شود؛ آنگاه هر کسی که در آسمان ها و در زمین است، مدهوش شده] و می میرد[، مگر کسی که الله بخواهد؛ آنگاه بار دیگر در آن دمیده می شود، و ناگهان همگی] زنده می شوند و [بر می خیزند و می نگرند] {زمر: ٦٨}.

آنگاه مردم از قبرهایشان برانگیخته پابرنه و بی کفش و عریان و بی لباس و ختنه نشده، به سوی پروردگار جهانیان می شتابند

﴿...كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٤﴾﴾ [الأنبياء:

[104

{همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم دوباره آن را بازمی گردانیم، وعده ای است بر عهده ما که ما انجام دهنده آنیم } [انبياء: ١٠٤].

و به نامه های اعمال باور داریم که به دست راست، یا از پشت سر به دست چپ داده می شود

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَبِئْمِينِهِ ﴿١٠٥﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿١٠٦﴾ وَيَنْقَلِبُ

إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٠٧﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿١٠٨﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا

تُؤْبَرًا ﴿١٠٩﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿١١٠﴾﴾ [الانشقاق: 7-12]

{پس اما کسیکه نامه] اعمالش [به دست راستش داده شود، به زودی به حسابی آسان، محاسبه می شود، و شادمان به سوی خانواده اش بازمی گردد؛ و اما کسی که نامه] اعمال او [از پشت سرش به او داده شود، به زودی نابودی خود را خواهد طلبید] {انشقاق: ۷-۱۲}.

﴿وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَلِيرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ۖ أَقْرَأُ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ۝﴾ {الإسراء: 13-14}.

{و کارنامه هر انسانی را مانند گردنبند، پیوست او قرار داده ایم، و در روز قیامت نامه ای برایش درمی آوریم که] تمام اعمال خیر و شری را که انجام داده است [گشوده و مبسوط در برابر خویش می بیند. نامه خود را بخوان، امروز همین کافی است که خودت حسابرس خودت باشی] {اسراء: ۱۳-۱۴}.

و به ترازوهای باور داریم که در روز قیامت نهاده می شوند، بنابراین به کسی ظمی نمی رود،

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۖ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۖ﴾ {الزلزلة: 7-8}

{ آنگاه هر کس به اندازه ذره ای کار نیک انجام داده باشد، [پاداش] آن را می بیند، و هر کس به اندازه ذره ای کار بد کرده باشد، [کیفر] آن را می بیند] {زلزله: ۷-۸}.

﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدِينَ ﴿١٠٣﴾ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾﴾ [المؤمنون: 102-104]

{ و هر کس وزنه اعمالش سنگین باشد، آنان رستگار اند، و هر کس وزنه اعمالش سبک باشد، آنانند که به خویش زیان زده اند و در دوزخ جاودانند، آتش چهره هایشان را می سوزاند و در آنجا عبوس و زشت منظرند] {مؤمنون: ۱۰۲-۱۰۴}

و می فرماید:

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ ﴿١٦٠﴾ [الأنعام: 160]

{ هرکس یک نیکی بیاورد برایش ده برابر آن [پاداش] است و کسی که بدی بیاورد جز به اندازه آن جزا داده نمی شود و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند] {انعام: ۱۶۰}.

و به شفاعت عظمی که تنها مخصوص رسول الله - **صلی الله علیه وسلم** - است، باور داریم که الله تعالی شفاعت او را می پذیرد تا میان بندگان دآوری کند، آن هنگام که دچار نگرانی و سختی غیر قابل تحمل می شوند و به نزد آدم، سپس نوح، سپس ابراهیم، سپس موسی و سپس عیسی می روند تا آنکه در پایان به نزد رسول الله - **صلی الله علیه وسلم** - می روند.

و به شفاعت برای بیرون آوردن آن دسته از مؤمنان که وارد دوزخ شده اند باور داریم، و این شفاعت هم برای پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - است

هم برای دیگر پیامبران و مؤمنان و ملائکه، و باور داریم که الله تعالی گروه هایی از مؤمنان را بدون شفاعت و از روی فضل و رحمتش از دوزخ بیرون می آورد.

و به حوض پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - باور داریم، که آب آن سفیدتر از شیر، و خوشتر از عسل، و خوشبوتر از مشک است، که طول آن یک ماه و عرض آن یک ماه است، و ظرف های آن از زیبایی همانند ستارگان آسمان است و مؤمنان امت او بر آن وارد می شوند و کسی که از آن بنوشد پس از آن دیگر تشنه نمی شود.

و به وجود پلی که بر روی جهنم زده شده باور داریم، و باور داریم که مردم بر اساس اعمال خود از آن می گذرند؛ نخستین آنان همانند سرعت برق از آن می گذرند، سپس [گروهی دیگر همانند باد، سپس همانند عبور پرندگان و همانند مردان سریع، و پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - بر صراط ایستاده می گوید: «پروردگارا سلامت دار، سلامت دار.»!

تا آنکه اعمال بندگان] از مرور سریع آنان [ناتوان می شود، پس کسانی سینه خیز می آیند و بر دو طرف صراط چنگال هایی آویزان هستند که امر شده اند تا کسانی را بردارند؛ پس برخی زخمی شده و نجات می یابند و برخی در آتش انداخته می شوند.

و به هر آنچه در قرآن و سنت درباره اخبار و حوادث هولناک آن روز آمده باور داریم. از الله خواهیم که با منت و کرمش آن روز را برای ما آسان گرداند.

و به شفاعت پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - برای وارد شدن اهل بهشت به آن باور داریم، و این شفاعت مخصوص پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - است.

و به بهشت و دوزخ ایمان داریم:

بهشت: دار نعمت و خوشی است که الله آن را برای مؤمنان متقی آماده ساخته، و نعمتهایی در آن است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به دل بشری خطور کرده است،

﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: 17].

{ هیچ کس نمی داند به [آنچه] این مؤمنان در دنیا [انجام می دهند، چه] بسیار مایه [روشنی چشم ها برایشان نهفته است] [سجده: 17].

اما دوزخ، سرزمین عذاب است که الله تعالی برای کافران ستمگر فراهم ساخته. در آنجا انواع عذاب و ذلت هست که به دل هم خطور نمی کند،

﴿...إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾ [الكهف: 29]

{ ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده ایم که سرپرده هایش آنان را از هر سو فرامی گیرد؛ و اگر [در طلب آب، فریادرسی بجویند، با آبی همچون مس گداخته به فریادشان می رسند؛] آبی که حرارتش [

چهره ها را بریان می کند. چه بد نوشیدنی و چه بد جایگاهی است! [کهف: ۲۹].

و این دو یعنی بهشت و دوزخ هم اکنون موجودند و هرگز فنا نمی شوند،

﴿... وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا﴾ [الطلاق: 11]

{ هر کس به الله ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، [الله او را به باغ‌هایی] از بهشت [وارد می کند که از زیر] درختان [آن جویبارها جاری است؛ جاودانه در آن می مانند. به راستی الله رزق و روزی اش را نیکو گردانیده است] [طلاق: ۱۱]

﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا﴾ [۱۶] خَلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَايًا وَلَا نَصِيرًا [۱۷] يَوْمَ تَقْلَبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ﴾ [الأحزاب: 64-66]

{ الله کافران را نفرین کرده و برایشان دوزخی آماده نموده که تا ابد در آن جاودان می مانند] و [در آن یار و یآوری نمی یابند. روزی که چهره هایشان در آتش دوزخ دگرگون می شود،] با پشیمانی [می گویند: ای کاش از الله و پیامبر اطاعت کرده بودیم] [احزاب: ۶۴-۶۶].

و برای هر کس که قرآن و سنت شخصا یا وصفا او را بهشتی دانسته شهادت می دهیم که بهشتی است:

از جمله کسانی که عینا و شخصا گواهی به بهشتی بودنشان داده شده : ابوبکر و عمر و عثمان و علی و دیگر کسانی است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از آنان عینا نام برده است.

و از جمله شهادت به وصف :شهادت به بهشتی بودن هر مؤمن یا متقی است.

و برای هر کس که قرآن و سنت شخصا یا وصفا او را دوزخی دانسته شهادت می دهیم که دوزخی است:

و از جمله کسانی که عینا و شخصا شهادت به دوزخی بودنشان داده شده : ابولهب و عمرو بن لحيّ خزاعی و مانند آنان هستند.

و از جمله کسانی که وصفا شهادت به دوزخی بودنشان داده می شود هر کافر یا مشرکی است که دچار شرک اکبر شده، و هر منافقی است.

و به فتنه قبر ایمان داریم و آن پرسشی است که در قبر از میت می شود و از او درباره پروردگارش و دینش و پیامبرش پرسیده می شود، آنگاه:

﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي

الْآخِرَةِ...﴾ [ابراهيم: 27]

{ الله کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در آخرت، با سخن استوار [توحید] [ثابت می گرداند و ستمگران] مشرک [را گمراه می کند؛ و الله هر کاری بخواهد انجام می دهد] {ابراهيم: ۲۷}

مؤمن در پاسخ می گوید: پروردگرم الله است، و دینم اسلام است و پیامبرم محمد است، اما کافر و منافق می گوید: نمی دانم! شنیدم که مردم چیزی می گفتند و من نیز همان را گفتم. و به خوشی و نعیم قبر برای مؤمنان باور داریم:

﴿الَّذِينَ تَتَوَقَّعُهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: 32]

{ کسانی که فرشتگان در حالی جانشان را می ستانند که } از آلودگی کفر و گناه [پاکند] و به آنان [می گویند: درود بر شما. به] پاداش [آنچه می کردید] اینک [به بهشت درآید] {نحل: ۳۲}.

و به عذاب قبر برای ستمگران کافر ایمان داریم:

﴿... وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنفُسَكُمْ يَوْمَ تَجْرُونَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ [الأنعام: 93]

{ کاش ستمکاران را در گردابهای مرگ می دیدی که ملائکه } به سوی آنان [دستهایشان را گشوده اند] و نهیب می زنند که [جانهایتان را بیرون دهید، امروز عذاب خفت باری در برابر آنچه ناحق بر الله می گفتید، و نسبت به آیات او تکبر و ورزیدید، خواهید دید] {انعام: ۹۳}.

و احادیث در این باب پر شمار و واضح است.

بنابراین بر مؤمن واجب است که به هر یک از این امور غیبی که در قرآن و سنت آمده ایمان آورد، و بر اساس آنچه در دنیا می بیند با آن مخالفت نکند، زیرا امور آخرت را بر اساس امور دنیا قیاس نمی کنند زیرا تفاوت بین این دو بسیار بزرگ است، و الله المستعان.

فصل

و به قدر، خیر و شر آن ایمان می آوریم، و آن تقدیر الله تعالی برای کائنات است چنانکه در علمش گذشته و حکمتش اقتضا کرده است.

و قدر چهار مرتبه دارد:

مرتبه نخست علم است. ما ایمان داریم که الله به همه چیز آگاه است و هر چه را که بوده و می شود و چگونه خواهد با علم ازلی ابدی اش می داند، بنابراین پس از نادانی علمی برایش حاصل نمی شود و پس از علم دچار فراموشی نمی شود.

مرتبه دوم نوشتن است. ما ایمان داریم که الله تعالی هر آنچه تا روز قیامت خواهد شد را در لوح محفوظ نوشته است:

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [الحج: 70]

{ آیا ندانسته ای که الله آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟ بی گمان [همه] [اینها در کتابی] ثبت [است. مسلماً این] کار، [بر الله آسان است] [حج: ۷۰].

مرتبه سوم مشیت است. ما ایمان داریم که الله تعالی هر آنچه در آسمان و زمین است را اراده کرده و هیچ چیز بدون اراده و مشیت او رخ نمی دهد، هر آنچه الله بخواهد می شود و آنچه را نخواهد نمی شود.

مرتبه چهارم آفرینش است. ما ایمان داریم به اینکه الله تعالی:

﴿اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ...﴾ [الزمر: 62-63]

{ الله آفریدگار همه چیز است، و او بر همه چیز نگهبان است، کلید [گنجینه های] آسمانها و زمین در اختیار اوست} [زمر: ۶۲-۶۳].

و این چهار مرتبه شامل هر آن چیزی می شود که از سوی الله تعالی رخ داده یا از سوی بندگانش، بنابراین هر آنچه از بندگان صادر می شود، چه قول باشد و چه فعل و چه ترک و انجام ندادن چیزی باشد را الله می داند و نزد او نوشته شده، و الله تعالی آن را اراده کرده و آفریده است

﴿لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾﴾ [التكوير: 28-29]

{ برای کسی از شما که بخواهد راه راست در پیش گیرد * و شما [چیزی را] نمی خواهید، مگر آنکه پروردگار جهانیان [اراده کند و] [بخواهد] [تکوير: ۲۸-۲۹]

﴿...وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾﴾ [البقرة: 253]

{ و اگر الله می خواست، [هرگز] با هم نمی جنگیدند؛ ولی الله آنچه را می خواهد، انجام می دهد [بقره: ۲۵۳]

﴿... وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾ [الأنعام: 137]

{ و اگر پروردگارت می خواست، چنین نمی کردند پس آنان را با آنچه افترا می زنند رها کن [انعام: ۱۳۷]

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الصفات: 96]

{ و حال آنکه الله، [هم] شما و [هم] آنچه را انجام می دهید آفریده است [صفات: ۹۶] .

اما با این حال اعتقاد داریم که الله تعالی برای بنده اختیار و قدرتی قرار داده که کارش با آن رخ می دهد، و دلیل اینکه کار بنده با اختیار و قدرت او رخ می دهد چند مورد است:

نخست: آنجا که می فرماید:

﴿...فَأْتُوا حَرَّتَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ...﴾ [البقرة: 223]

{ پس هر گونه که می خواهید به کشتزار خود درآیید [بقره: ۲۲۳] .
و آنجا که می فرماید:

﴿* وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ...﴾ [التوبة: 46]

{ و اگر خواهان بیرون رفتن بودند برایش توشه آماده می ساختند }
[توبه: ۴۶]

بنابراین اینجا برای بنده آمدنی بر اساس خواسته اش و آماده شدنی بر اساس اراده اش را اثبات کرده است.

دوم: مورد خطاب قرار داده شدن بنده با امر و نهی، حال آنکه اگر بنده اختیار و قدرتی نداشت امر و نهی او به معنای مکلف کردنش به کاری بود که در توانش نیست و این چیزی است که از حکمت الله تعالی و رحمتش و از این خبر راست او به دور است که می فرماید:

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...﴾ [البقرة: 286]

{ الله هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد } [بقره: ۲۸۶].

سوم: ستایش نیکوکار برای نیکوکاری اش، و نکوهش بدکار برای بدکاری اش، و پاداش هر یک بر اساس آنچه مستحق آن است، و اگر چنین نبود که کار بر اساس اراده و اختیار بنده انجام می شود، ستایش نیکوکار و مجازات بدکار چیزی جز ظلم نبود، اما الله تعالی از بیهودگی و ستم منزّه است.

چهارم: الله تعالی پیامبران را فرستاده است، پیامبرانی که:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [النساء: 165]

{ بشارت دهنده و بیم دهنده بودند تا برای مردم پس از [بعثت پیامبران، در مقابل الله] هیچ بهانه و [حجتی نباشد] {نساء: ۱۶۵}،

و اگر کار بنده بر اساس اراده و اختیارش نبود، ارسال پیامبران باعث از بین رفتن بهانه و تمام شدن حجت نمی شد. پنجم: هر فاعلی این را درک می کند که یک کار را بدون آنکه احساس اجبار داشته باشد انجام می دهد یا ترک می کند. او می ایستد و می نشیند، وارد می شود و بیرون می رود، به مسافرت می رود و ساکن می شود، و همه اینها را با اراده محض انجام می دهد، و احساس نمی کند که کسی او را برای این کارها مجبور کرده است، بلکه به شکل واقعی میان اینکه کاری را با اختیار خودش انجام دهد یا کسی او را بر آن مجبور کرده باشد فرق می گذارد. همینطور شرع نیز در حکم این دو [یعنی کار اختیاری و کار از روی اجبار] تفاوت گذاشته و کسی را برای کاری که به اجبار انجام داده و حقی از حقوق پروردگار به آن تعلق می گیرد مؤاخذه نمی کند. و معتقدیم که تقدیر الهی برای گناه گناهکار هیچ توجیه و بهانه ای نیست؛ زیرا گناهکار بنا بر اختیارش مرتکب گناه می شود، بدون آنکه بداند الله تعالی این را برای او مقدر کرده یا خیر، زیرا کسی از تقدیر الله باخبر نمی شود مگر پس از وقوع آن.

﴿... وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا...﴾ [لقمان: 34]

{ و کسی نمی داند فردا چه به دست می آورد} [لقمان: ۳۴].

پس چگونه می شود به چیزی استناد کرد که شخص بهانه گیر در هنگام انجام آنچه می خواهد با قدر آن را بهانه کند از آن مطلع نیست؟ الله تعالی نیز این حجت را باطل نموده و می فرماید:

﴿سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ﴾ [الأنعام: 148]

{ به زودی کسانی که شرک ورزیدند می گویند: «اگر الله می خواست، نه ما شرک می آوردیم و نه پدران ما، و نه چیزی را تحریم می کردیم» کسانی که پیش از آنها بودند] نیز [این چنین تکذیب کردند، تا آنکه] طعم [عذاب ما را چشیدند. بگو: «آیا نزد شما] دلیل و [دانشی است که آن را برای ما آشکار سازید؟! شما فقط از پندارهای بی اساس پیروی می کنید، و شما جز گزافه و دروغ نمی گویند { [انعام: ۱۴۸].

و به گناهکاری که قدر را بهانه کرده می گوئیم: چرا با استدلال به اینکه الله تعالی برایت انجام طاعت را مقدر کرده، رو به طاعت نمی آوری، زیرا طاعت و معصیت قبل از آنکه توسط تو انجام شود همانند هم مجهول هستند] و تو از آن مطلع نیستی[؟

از این رو، هنگامی که پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - خطاب به صحابه فرمودند که جایگاه هر کس در بهشت و دوزخ نوشته شده است، آنان گفتند: آیا بر همین تکیه نکنیم و دست از عمل نکشیم؟ ایشان فرمودند: «خیر، تلاش کنید، زیرا هر کس برای آنچه برایش آفریده شده توفیق داده خواهد شد.»

و به گناهکاری که به تقدیر استناد می کند می گوئیم: اگر بخواهی به مکه سفر کنی و دور راه داشته باشی، و راستگویی به تو بگوید که یکی از این دو راه ترسناک و سخت است و دیگری امن است و آسان، تو راه دوم را انتخاب خواهی کرد و ممکن نیست که راه اول را در پیش بگیری و بگویی که این برایم مقدر شده است؛ و اگر چنین کنی مردم تو را از جمله دیوانگان خواهند دانست.

و همچنین به او می گوئیم: اگر دو شغل را به تو پیشنهاد دهند که یکی حقوقش بیشتر است، تو همین شغل را انتخاب می کنی نه شغل با حقوق کمتر را، بنابراین چگونه ممکن است که در مورد اعمال آخرت آنچه را کم ارزشتر است انجام می دهی سپس تقدیر را بهانه می کنی؟!

و همچنین می گوئیم: تو را می بینیم که هرگاه دچار بیماری بدنی می شوی برای درمان به هر طبیبی مراجعه می کنی و درد جراحی و تلخی دارو را تحمل می کنی.

پس چرا همین کار را درباره بیماری دلت که به سبب گناهان است انجام نمی دهی؟

و ایمان داریم که به سبب کمال رحمت و حکمت الهی، شر به او نسبت داده نمی شود، پیامبر - **صلی الله علیه وسلم** - می فرماید: «و شر به تو نسبت داده نمی شود» به روایت مسلم یعنی خود قضای الهی هرگز شر نیست، بلکه از روی رحمت و حکمت برآمده، بلکه شر در مقتضیات آن است [مانند خود بیماری یا درد و...]، چنانکه پیامبر - **صلی الله علیه و سلم** - در دعای قنوتی که به حسن - رضی الله عنه - یاد دادند می فرماید: «و مرا از شر آنچه قضا کرده ای حفظ کن» اینجا شر را به آنچه قضا نموده منسوب کرده، با این حال شر در مقتضیات یک شر خالص محض نیست،

بلکه شری است که از یک نظر شر است اما از وجه دیگری خیر است، یا در محل خودش شر است اما در محلی دیگر خیر. برای مثال فساد در زمین مانند خشکسالی و بیماری و فقر و ترس، شر است، اما در محلی دیگر خیر است. الله تعالی می فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الروم: 41]

{ به سبب گناهایی که مردم مرتکب شده اند، فساد] و تباهی [در خشکی و دریا آشکار گشته است تا] الله [جزای برخی از اعمالشان را به آنان بچشاند؛ باشد که] به سوی حق [بازگردند] [روم: ۴۱].

قطع دست دزد و رجم زناکار برای خود سارق و زناکار شر است، اما از وجهی دیگر برای آنها خیر است، زیرا کفاره آنها می شود چراکه مجازات دنیا و آخرت با هم یکجا نمی شود] یعنی اگر در دنیا مجازات شوند در آخرت نمی شوند]، و از سویی دیگر خیر است، زیرا باعث حفظ اموال و آبرو و انساب می شود.

فصل

این عقیده والا که این اصول گرانبار را در خود دارد ثمرات گرانبرد بسیاری را برای باورمند خود دارد.

زیرا ایمان به الله تعالی و نامها و صفاتش باعث ایجاد محبت الله و بزرگداشت او نزد بنده می شود که همین باعث می شود امر او را انجام دهد و از آنچه نهی کرده دوری گزیند، و انجام امر و اجتناب از نهی او

باعث به دست آمدن سعادت کامل در دنیا و آخرت برای فرد و جامعه است:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النحل: 97]

{ هر کس - مرد یا زن - که کار نیک کند و مؤمن باشد، قطعاً او را [در دنیا] به زندگانی پاک و پسندیده ای زنده می داریم و [در آخرت نیز] بر اساس نیکوترین] طاعت و [کاری که می کردند، به آنان پاداش می دهیم] [نحل: ۹۷].

از ثمرات ایمان به ملائکه:

اولا: علم به عظمت خالق آنان - تبارک و تعالی - و قدرت و سلطان او.

دوم: شکرگزاری الله تعالی برای عنایت او به انسانها آنطور که از این ملائکه کسانی را مامور حفظ آنان و نوشتن اعمالشان و دیگر مصالح آنان برگمارده است.

ثالثا: دوست داشتن ملائکه به سبب آنکه عبادت الله تعالی را به کاملترین وجه انجام می دهند و برای مؤمنان آمرزش می خواهند.

و از ثمرات ایمان به کتب آسمانی:

نخست: علم به عنایت الله تعالی به بندگانش؛ آنطور که برای هر قومی کتابی نازل کرده تا با آن هدایت شوند.

ثانیا: آشکار شدن حکمت الله تعالی، آنطور که در این کتابها برای هر امتی آنچه مناسب آنان است مشروع ساخته، و پایان بخش این کتابها - قرآن عظیم - مناسب همه مردم در همه دورانها و مکانها تا روز قیامت است.

ثالثا: شکر نعمت الله تعالی برای آن.

و از ثمرات ایمان به پیامبران:

اولا: آگاهی از رحمت الله تعالی، و توجه او به بندگان آنطور که برای آنان این پیامبران گرامی را فرستاده، تا هدایت و راهنمایی شان کنند.

ثانیا: شکر او تعالی برای این نعمت بزرگ.

ثالثا: دوست داشتن پیامبران و گرامی داشت و ستایش آنان چنانکه شایسته اش هستند، زیرا آنان فرستادگان الله تعالی و بندگان خاص اویند، که عبادت و تبلیغ رسالت و خیرخواهی برای بندگان و صبر بر آزارشان را انجام داده اند.

از ثمرات رکن پنجم یعنی ایمان به آخرت:

اولا: تلاش در راه طاعت الله تعالی برای به دست آوردن ثواب آن روز، و دوری از معصیت او از ترس مجازات آن روز.

دوم: امید به نعمت و کالای آخرت نوعی دلداری برای مؤمن است در برابر چیزهایی که در این دنیا از دست می دهد.

و از ثمرات ایمان به قدر:

اولا: تکیه به الله تعالی هنگام انجام اسباب، زیرا سبب و مسبب هر دو بر اساس قضا و قدر الهی است.

ثانیا: آسودگی درون و آرامش دل، زیرا هرگاه بنده بداند که همه اینها بنابر قضای الله تعالی است و آنچه دوست ندارد ناگزیر رخ می دهد، درونش آسوده و دلش آرام می شود و به قضای پروردگار خشنود می شود، بنابراین هیچ کس زندگی خوش تر، و درونی آسوده تر، و آرامشی بیشتر از آن کسی که به قدر ایمان آورده ندارد.

ثالثا: در صورت حصول خواسته، باعث اخراج خود شیفتگی و خودپسندی می شود، زیرا حصول آن نعمت برای آن بوده که الله اسباب خیر و موفقیت را مقدر نموده، بنابراین شکر الله تعالی را به جا می آورد و اعجاب و خودبینی را کنار می گذارد.

رابعا: دور ساختن نگرانی و نومیدی در صورت از دست رفتن مراد یا حاصل شدن آنچه دوست ندارد؛ زیرا همه اینها بنابر قضای الله تعالی بوده که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و آنچه او خواسته قطعاً رخ می دهد، بنابراین صبر پیشه می سازد و اجر آن را در نظر می گیرد، و این همان چیزی است که الله تعالی بدان اشاره کرده است:

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۲۲﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۲۳﴾﴾ [الحديد: 22-23]

{ هیچ آسیبی در زمین و یا در وجود شما روی نخواهد داد، مگر آنکه پیش از ایجادش، در دفتر [علم الهی] رقم خورده است. به راستی

که این کار، بر الله آسان است]. این نکته را تذکر دادیم [تا بر آنچه از دستتان می رود افسوس نخورید، و به آنچه به دست می آورید سرمست نگردید، که الله هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد } [حدید: ۲۲-۲۳].

از الله تعالی خواهانیم که ما را بر این عقیده پایدار گرداند، و ثمرات آن را برای ما محقق گرداند، و از فضل خود به ما افزون دهد، و دلهای ما را پس از هدایمان دستخوش تغییر نسازد، و از سوی خود به ما رحمتی ارزانی دارد؛ که او بسیار بخشنده است. و ستایش از آن الله، پروردگار جهانیان است.

و درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد و بر آل و اصحاب ایشان و همه کسانی باید که به نیکی از آنان پیروی کنند.

پایان یافت، به قلم مولف آن،

محمد بن صالح العثیمین

در تاریخ ۳۰ شوال سال ۱۴۰۴ هجری قمری

خلاصه

- 1..... عقیده اهل سنت و جماعت
- 3..... مقدمه شیخ
- 3..... عبدالعزیز بن عبداللہ بن باز
- 7..... عقیدہ ما
- 24..... فصل
- 26..... فصل
- 29..... فصل
- 34..... فصل
- 44..... فصل
- 53..... فصل
- 60..... فصل